

داشت . میگویند اگر انسان با اعمال فوق‌الطاقه و افراط در شهوات نفسانی قوه خود را تلف نکند چند طبیعی حیات او یکصد و پنجاه سال است .

ت ۱۴۴ - ربيع الاول ۱۳۷۱

عالم نسوان

زنی و تاریخ

در تاریخ چین — در يك قصیده چینی سه هزار سال قبل گفته شده است وقتی که دختری متولد شد محض اشاره بر ذلت و خضوع باید او را پهلو روی زمین بخوابانند و پاره آجری برای بازی کردن نزد او بگذارند . در کتابی که از این قصیده تازه تر است و از تدوین آن دو هزار سال میگذرد چنین نوشته‌اند: بحالت مرد و زن در یکجا جایز نیست ، باید چراغ و ظرف آب و شانه آنها جدا باشد ، اگر مرد چیزی بخواهد زن باید آن را در سینی بآسبد گذاشته بدهد ، برادران دختری که نامزد شده با او روی يك فرش و حصیر نمی‌توانند بنشینند و در يك کاسه نمیتوانند غذا بخورند .

زندگانی زن را بر سه دوره تقسیم کرده آنرا ادوار اطاعت - های سه گانه ، مینامیدند ، زن میبایست در دوره جوانی مطیع پدر و برادر بزرگ خود باشد ، در دوره زناشویی شوهر خود را اطاعت کند ، در دوره بیوگی از امر و نهی پسر تخلف ننماید .

دختر تا بانزده سالگی باید موی خود را بافته دور سر به پیچد و در سن بیست شوهر اختیار کند ، پس از ورود به خانه شوی و انضمام در سلك خانواده باید پدر و مادر شوهر را بسیار محترم بدارد و در تقدیم خدمات قصور ننموده در نخستین بانك خروس از خواب برخاسته برای آنها آب گرم ببرد .

مزاوجت زنان با چهار ~~ک~~ گروه از مردم حرام است : پسر خاندان عاصی و متمرّد ، فرزند خانواده معروف بتوهین آداب و مراسم ، مرد مجرم محکوم ، شخص مبتلا بمرض صعب العلاج . مرد می تواند در هفت مورد زن خود را طلاق بگوید : سوء سلوک با پدر و مادر شوهر ، نازائی ، بدکاری ، حسد ، گرفتاری به بیماری سخت ، پرچانگی ، سرقت ، سابقاً زن شوهر دار « فو » نامیده میشد و این کله اطاعت مطلقه را اشعار مینمود . مدتی بعد بدلات کتابی که در قرن اول میلادی انتشار یافت او را « تشی » نامیدند ~~که~~ متضمن طعنی بر آبروی با شوهر است . عقیده چینی ها این است که عدد ۷ پیش از سایر اعداد دارای علامات تأیید است . در یک کتاب طبی قدیم چنین بنظر میرسد : در سن بیست و یک دندان عقل زن ظاهر میشود ؛ در بیست و هشت استخوان بندیش محکم ، گیسوانش دراز و رسا ، قوامش بدرجه کمال واصل شده است ؛ در سی و پنج رنگش اندکی تغییر کرده ، در چهل و دو صورتش چین برداشته ، طراوت رویش معدوم و مویش روی بسفیدی میگنارد ؛ در چهل و نه مسافر مرحله یأس و پیری است و همه آنها از تأثیرات عدد ۷ است .

قدیمترین کتاب چینی متعلق باحوال نسوان را زنی تألیف نموده و آن را با اسم «نصایح نسوان» موصوم ساخته است ، از مندرجات ~~کتاب~~ کتاب مزبور این است : «فروتن و موقر باشید ، دیگری را بر خود مقدم بهدارید ، از قصور معذرت نخواهید و بموفقیت خویش فخر ننمائید ، از دشنام و بدگویی چشم پوشید . زن باید همیشه از شوهر فرمان برداری کند و مثل سایه از دنبال او برود . زن با چهار چیز سرو کار دارد : رفتار ، کلام ، صورت ، و وظیفه . رفتار خوب بعقل و تدبیر محتاج نیست ، کلام خوب بزبان تند و تیز احتیاج ندارد ، صورت خوب زیبایی بیمثل و نظیر نمیخواهد ، ادای وظیفه جلالی و زیرکی نمی طلبد . اولی با سادگی و پاکیزگی و لباقت ، دومی با الفاظ رقیقه و گفتار مناسب مختصر ، سومی با گشاده روئی و بشاشت ، چهارمی با دوختن و بافتن و اهتمام به کاراکل و شرب انجام مییابد .»

در اواخر قرن هشتم میلادی پنج خواهر از مزاجت اعراض نموده عمر خود را بدرس و مطالعه واقف کردند ، بزرگترین آنها کتابی بنام «مذاکرات با دختران» مثل «مخاورات کونفوسیوس» نگاشت ؛ این است نمونه از آن کتاب : «در راه رفتن بعقب نگاه مکن ، در تکلم دهان رافراخ مگشای ، در نشستن زانو را تکان مده ، در شادمانی بقیقه مخند ، در خشم فریاد مزن ، از دریچه به بیرون منگر.»

یکی از مؤلفین قرن دهم مینویسد : کتاب «لن یو» بما میفهماند که وظیفه مهم زن عبارت از ترتیب کار خوراک و خانه-

داری است ، امپراطور « کاوتسو » از زنش ترسیده ، باین سبب
 فتنه ها بمیان آمد و چیزی نماند که دولت مضمحل شود ؛ امپراطور
 « وان تی » به امپراتریس اطاعت کرد و خاندان خود را منقرض
 ساخت ، وقتی که سلاطین و بزرگان امثال این کارها را مرتکب
 شوند رعایای پنبه بوش چه کارهای زشت خواهند کرد !
 در این کتاب ها از فضائل نسوان عقیقه و عالمه و هنرهای
 زنانی که مردانه بمیدان جنگ رفته اند اخبار بسیار درج شده
 است . از جمله مشاهیر نسوان زنی است که زوجیکی از امپراطورهای
 چین بوده است و او را اینطور ستوده اند : صورتش مانند ابری
 که شعاع آفتاب از آن منعکس شود ، چشمانش مثل امواج درخشان ،
 دهانش گلگون ، دندانهایش روشن ، گوشش دراز ، مویش سیاه
 و صیقلی چون آئینه ، بینی نوك برگشته بود ، آنقدر خون داشت
 که برای رنگ کردن بدنش کفایت میکرد ، آنقدر پیه داشت که
 گوشتش را میآراست ، آنقدر گوشت داشت که استخوانش را
 میپوشید ؛ طول قد پنج قدم و چهار گره ، عرض شانه یکقدم و
 دو گره و نیم ، از شانه تا سر انگشتان دو قدم و یک گره ؛ قامت
 شاخه خیزران ، دندان بیغاره صدف ، ابرو شبیه ابروی کرم
 ابریشم بود .